

بزه دیده گی ثانویه در نظام عدالت کیفری

محمد محمدزاده اصل^۱، کیوان حیدر نژاد^۲

^۱گروه حقوق، مرکز تسوج، دانشگاه آزاد اسلامی، تسوج، ایران

^۲گروه حقوق، مرکز تسوج، دانشگاه آزاد اسلامی، تسوج، ایران

چکیده

بزه دیده شناسی ثانویه در اثر تحول و توسعه بزه دیده شناسی اولیه بوجود آمده است که دغدغه آن، بهتر ساختن سرنوشت بزه دیده با ارایه کمک، حمایت های مادی و معنوی و جبران خسارت های وی می باشد. در این مقاله مروری که به روش توصیفی-تحلیلی به نگارش درآمده است به بررسی بزه دیده گی ثانویه در نظام عدالت کیفری می پردازیم. یافته های پژوهش حاکی از آن است که در مواردی خود نظام کیفری مسبب به وجود آمدن بزه دیده گی ثانویه می باشد از این رو تمهیداتی را برای پیشگیری و مقابله با این مورد اتخاذ نموده است از جمله با تلاش برخی از اساتید نیز، واحد بزه دیدگی ثانویه در مراکز دادگستری استان ها به وجود آمده، و همچنین به ترمیم بزه دیده ثانویه اقدام نموده و از عدم اجرای عدالت و انتقام شخصی جلوگیری نموده است.

واژه های کلیدی: بزه دیده گی، ثانویه، نظام، عدالت کیفری

مقدمه

اصلی ترین رکن پدیده‌های جنایی را بزه‌دیده تشکیل می‌دهد. مدت‌هاست جایگاه واقعی بزه‌دیده و حق او در فرآیند کیفری در حاشیه نگاه داشته شده بود، ولی اکنون با ظهور جنبش‌های بزه‌دیده‌شناسی در دهه‌های اخیر و تأثیرگذاری آنان در کاهش جرایم موجب گردیده که جرم‌شناسان به چشم‌اندازی جدید با عنوان «حمایت از بزه‌دیدگان» توجه نمایند. تاریخ پیدایش بزه‌دیده‌شناسی به سال ۱۹۴۸ بازمی‌گردد، سالی که کتاب «مجرم و بزه‌دیده» اثر «هانس فون هنتیگ» به نگارش درآمده است. «فون هانتیگ» کسی بود که بر تعامل و رابطه موجود میان بزه‌دیده با بزهکار و نظام عدالت کیفری تمرکز نمود تا به شناختی درست از پدیده مجرمانه دست پیدا کند.

آنچه در این زمینه از اهمیت بسزایی برخوردار و راهگشا می‌باشد، شناسایی و اولویت‌بندی نیازهای اساسی بزه‌دیدگان می‌باشد و پس از آن ارائه راهکار و اتخاذ سیاست‌های کاربردی در راستای حمایت از بزه‌دیدگان است. بزه دیدگی دومین (ثانویه) بزه دیدگی محسوب می‌شود که نه به منزله نتیجه مستقیم فعل مجرمانه، بلکه از رهگذر واکنش نهادها و افراد به بزه دیده پدید می‌آید. با افزایش بزه دیده گی ثانویه در بین اقشار جامعه، افراد بزه دیده تمایلی برای مراجعه به محاکم برای احقاق حق خودشان ندارند و در نهایت به دلیل نگرش منفی نسبت به مراجع قضایی ایجاد شده است از طرق غیر قانونی به دنبال احیای حقوق از دست رفته خود خواهند بود و این امر برای آینده زنگ خطری است که نیازمند کارشناسی و پیشگیری از بزه دیدگی ثانویه می‌باشد. در نظام عدالت کیفری، بزه دیدگی ثانویه گاهاً به انکار کامل حقوق بزه دیدگان متعلق به گروه‌های خاصی از افراد جامعه منجر می‌گردد و یا ناشی از رفتار آزارنده یا نامناسب پلیس یا دیگر کارکنان نظام عدالت کیفری است. یا به گونه ای نامحسوس کل فرایند کیفری ممکن است موجب بزه دیدگی ثانویه شود. بزه دیدگی ثانویه ناشی از فرایند عدالت کیفری امکان دارد به دلیل دشواری‌های مربوط به برقراری تعادل میان حقوق بزه دیده در برابر حقوق متهم یا مجرم رخ دهد. اغلب این نوع بزه دیدگی به دلیل عملکرد افراد مسئول در فرایند عدالت کیفری و آیین دادرسی مربوط به آن که دیدگاه بزه دیده را در نظر نمی‌گیرد، رخ می‌دهد. به دلیل ضرورت حمایت از بزه دیدگان در تمام مراحل رسیدگی و اینکه بعضی از مواد قوانین کیفری خود به نوعی سبب ایجاد بستر برای بزه دیدگی ثانویه می‌شود این ضرورت را می‌طلبد که بررسی بیشتری در این خصوص انجام پذیرد تا به آن پردازیم و همچنین با بیان راهکارهایی از آسیب دیده گی بیشتر بزه دیده گان پیشگیری کنیم.

بزه دیده گی ثانویه

این نوع از بزه دیده شناسی در اثر تحول و توسعه بزه دیده اولیه رخ می‌دهد که دغدغه آن، بهتر ساختن سرنوشت بزه دیده با ارایه، کمک حمایت‌های مادی و معنوی و جبران خسارت‌های وی میباشد و انواع مختلف از حمایت‌ها را در شرایط گوناگون نسبت به بزه دیدگان پیشنهاد می‌گردد که در ذیل به تعدادی از آنها اشاره می‌شود حمایت از بزه دیدگان بلافاصله پس از تحقق جرم از قبیل حمایت‌های پزشکی، روانشناختی؛ حمایت از بزه دیده در مرحله دادرسی از قبیل تفهیم حقوق و فراهم آوردن نیازهای حقوقی؛ از بزه دیده در مرحله تامین ضرر و زیان از قبیل تامین خسارت زیان دیده از منابع حمایت دولتی (رایجیان اصلی ۱۳۸۱:۱۳)

بزه دیده شناسی اولیه اساساً جنبه نظری دارد و توجه اصلی آن معطوف به ویژگی‌های قربانیان و روابط آنها با بزهکاران جرایم بود به موازات تحولات، علمی شاخه دیگری از بزه دیده شناسی بوجود آمد که از آن تحت عنوان جنبش سیاسی و ایدئولوژیک

بزه دیده شناسی ثانویه یاد می‌گردد بنابراین بزه دیده شناسی که ابتدا رویکردی علمی و علت شناسانه به بزه دیده داشت به یک جنبش اجتماعی حامی بزه دیدگان و دفاع از آنان تبدیل گردید. نگرانی از حقوق و آینده بزه دیدگان در ابتدا بصورت برنامه های جزئی دولت در راستای جبران خسارت از بزه دیدگان جرایم به وجود آمد. در قطعنامه ۱۹۸۵ سازمان ملل درباره اصل اساسی عدالت برای قربانیان جرم و سوء استفاده از قدرت مطرح شد. تحولات ایدئولوژی بزه دیده شناسی سبب پیدایش پیمایشهای بزه دیدگی نیز شد. دادرسی با اهمیت پیدا کردن بزه دیده شناسی در جهان پیمایشهای بین المللی، مهمی افزودن بر پیمایش های ملی در بسیاری از کشورها انجام شد. همچنین انجمن های متعددی به همت خود بزه دیدگان و یا مؤسسات دولتی و یا جنبش های سیاسی، عقیدتی ایجاد شد. از جمله این انجمنها میتوان به انجمن بزه دیدگانی که توسط قربانیان جرایم خاص مانند قربانیان بمب گذاریها و یا والدین اطفال به قتل رسیده اشاره کرد. از دیگر نمونه های انجمن ها میتوان انجمنهای قربانیان تجاوز به عنف انجمن های طرفدار حقوق زن انجمن های کمک به بزه دیدگان و میانجیگری را نام برد که فلسفه وجودی آنها کمک های حقوقی مادی و روانی به بزه دیدگان است.

حق بزه دیده در نظام عدالت کیفری

بزه دیدگی ثانویه در جرایم مستوجب حد

هدف از اعمال مجازات بر روی مرتکبین جرائم برای اصلاح ایشان می باشد تا بار دیگر رفتاری خلاف هنجار از خود بروز نداده و به جامعه خویش باز گردد.

بنابراین باید بین مجرمی که بعد از ارتکاب جرم از فعل خود پشیمان شده و فرد مجرمی که چنین حالتی را دارا نمی باشد قائل به تفکیک شد و انصاف و عدالت مجاب می کند تا مجرمی که توبه کرده به اندازه سایر مجرمانی که رفتار خلاف هنجار، رفتار روزمره ایشان می باشد، کمتر مجازات و یا چه بسا در صورت اطمینان از عدم انجام جرم توسط وی، مجازات نشود.

به همین دلیل قانون مجازات برای افرادی که توبه می کنند مزایایی را در نظر گرفته است. در قانون مجازات کشور ایران به علت این که بخشی از نظام حقوقی قانون مجازات ایران از آموزه های فقهی و دینی اسلام می باشد توبه در این قانون موضوعه کشور وارد شده و جایگاهی برای خود دارد. توبه در جرایم مستوجب حد چنانچه قبل از اثبات جرم باشد، موجب اسقاط مجازات خواهد بود مگر در جرم قذف (قذف به این معنا می باشد که فردی دیگری را به زنا یا لواط نسبت دهد که حد بر وی ۸۰ ضربه شلاق می باشد) (حق الناسی بودن جرم)

ممکن است بزه کار در جرایم حدی توبه نماید، در این صورت مجازات وی بر اساس موازین فقهی و قانونی از او ساقط می گردد. در حقیقت عدم کیفر بزه کار، نوعی بزه دیدگی ثانویه نسبت به وی به شمار می رود. در قانون مجازات اسلامی (۱۳۹۲) این نارسایی برطرف گردیده و قانونگذار به حقوق بزه دیده در این موارد توجه نموده است. طبق تبصره ۲ ماده ۱۱۶ قانون مجازات اسلامی ۱۳۹۲: «در زنا و لواط هر گاه جرم به عنف، اکراه و یا با اغفال بزه دیده انجام گیرد، مرتکب در صورت توبه و سقوط مجازات به شرح مندرج در این ماده به حبس یا شلاق تعزیری درجه شش یا هر دو آنها محکوم می شود.» کیفر حدی چون دارای جنبه حق الهی است با تو به ساقط می گردد، ولی به جهت رعایت حق بزه دیده می توان او را مجازات نمود. این ماده چنین حقی را در نظام کیفری ایران، برای نخستین بار به رسمیت شناخت. (طهماسبی، ۱۳۸۳، ص ۵۴)

بزه دیدگی ثانویه در جرایم مستوجب قصاص

تاثیر توبه مجرم بر مجازات در جرایم مستوجب قصاص در صورتی که فردی مرتکب جرم مستوجب قصاص شود (مانند قتل عمد یا اسید پاشی)، توبه او موجب سقوط مجازات نیست. حق قصاص در جنایات متعلق به بزه دیده یا وارث طبق ماده ۳۶۸

قانون مجازات اسلامی (۱۳۹۲)؛ «حق قصاص به شرح مندرج در این قانون به ارث می رسد.» وی می باشد. ماده ۳۶۷ قانون مجازات اسلامی (۱۳۹۲) در این باره مقرر می دارد: «صاحب حق قصاص در هر مرحله از مراحل تعقیب، رسیدگی با اجرای حکم می تواند به طور مجانی یا با مصالحه، در برابر حق یا مال گذشت کند.» قانون مجازات اسلامی (۱۳۹۲) به طور گسترده ای ابعاد حق قصاص را در مواد ۳۶۷ تا ۳۶۷ پیش بینی نموده است. در حقوق کیفری ایران بیشترین حق در جرایم مستوجب ضمانت اجرای قصاص دیده می شود. حتی بر اساس موازین فقهی امکان مباشرت بزه دیده در اجرای قصاص هم پیش بینی شده است. «قرآن کریم می فرماید: «من قتل مظلومه فقد جعلنا لویه سلطانا (اسراء / ۳۳). حق تعیین مجازات در ضمانت اجرای قصاص برای بزه دیدگان اولیه و ثانویه هر دو به رسمیت شناخته شده است. در جنایات کمتر از نفس، این حق متعلق به کسی است که از وقوع جنایت مستقیمه آسیب دیده است. در ماده ۳۶۵ ق.م.ا (۱۳۹۲) این حق را برای بزه دیده اولیه پیش بینی نموده است: «در قتل و سایر جنایات عمدی، مجنی علیه می تواند پس از وقوع جنایت و پیش از فوت، از حق قصاص گذشت کرده یا مصالحه نماید و اولیای دم و وارثان نمی توانند پس از فوت او، حسب مورد، مطالبه قصاص یا دیه کنند» (شیری، ۱۳۹۷: ۹۱)

هر چند در دنیا حق تعیین مجازات با هر گونه توافقی با بزه کار برای بزه دیدگان ثانویه پذیرفته نشده است، ولی در حقوق ایران با تبعیت از موازین فقهی، چنین حقی پذیرفته شده است، مواد ۳۶۸، ۳۵۰ و ۳۰۱ قانون مجازات اسلامی (۱۳۹۲) این حق را برای اولیای دم یعنی وراث قانونی مقتول به رسمیت شناخته شده است. رفته رفته، حقوق بزه دیدگان ثانویه، تأثیر تحولات بزه دیده شناسی ارتقاء یافته است. روشن ترین نمونه به خانواده های بزه دیدگان مقتول باز می گردد. اگر چه این افراد، بزه دیدگان اولیه نیستند. اما احتمالا ضربه ای عمیق تر از هر بزه دیده دیگری را تحمل می کنند. ضربه ناشی از یک داغ دار شدن ناگهانی، اغلب با پلیدی یک حمله یا بی احساسی در یک قتل، ترکیب می شود.» (زندر، ۱۳۹۳: ۸۵۹)

در حقوق ایران، در قتل، اولیاء دم صاحب حق شناخته می شوند. اما برای سایر بزه دیدگان ثانویه مثل شهود و ناظران صحنه جرم، در نظام های عدالت کیفری حقی در تعیین مجازات در نظر گرفته نشده است.

بزه دیدگی ثانویه در نظام نیمه آزادی

طبق ماده ۵۶ قانون مجازات اسلامی (۱۳۹۲): «نظام نیمه آزادی، شیوه های است که براساس آن محکوم می تواند در زمان اجرای حکم حبس، فعالیت های حرفه ای آموزشی، حرفه آموزی، درمانی و نظایر اینها را در خارج از زندان انجام دهد. اجرای این فعالیت ها زیر نظر مراکز نیمه آزادی است که در سازمان زندان ها و اقدامات تأمینی و تربیتی تأسیس می شود.» (شیری، ۱۳۹۷: ۹۹)

حقوق بزه دیده در نظام نیمه آزادی در ایران طبق ماده ۵۷، نظام نیمه آزادی فقط در حبس های تعزیری درجه پنج تا هفت قابل اجراست. «تا حدودی رعایت شده است. بر اساس ماده ۵۷ قانون یاد شده: «... دادگاه صادر کننده حکم قطعی می تواند مشروط به گذشت شاکی و سپردن تأمین مناسب و تعهد به انجام یک فعالیت شغلی، حرفه ای، آموزشی، حرفه آموزی، مشارکت در تداوم زندگی خانوادگی یا درمان اعتیاد یا بیماری که در فرآیند اصلاح یا جبران خسارت وارد بر بزه دیده مؤثر است، محکوم را با رضایت خود او، تحت نظام نیمه آزادی قرار دهد... در ماده یاد شده در دو مورد به حقوق بزه دیده توجه می شود، نخست اعطای آن را مشروط به گذشت شاکی دانسته و دوم اینکه به تأثیر نظام نیمه آزادی در جبران خسارت بزه دیده

توجه شده است. مثلاً چنانچه بزه کار بتواند در ایام کار به فعالیت شغلی بپردازد و درآمدی کسب کند می تواند از محل همان درآمد، ضمن تأمین نیازهای خود، به تدریج ضرر و زیان وارده به بزه دیده را جبران نماید.

مشارکت بزه دیده در فرایند دادرسی کیفری

در عدالت ترمیمی مانند عدالت کیفری که دعوای کیفری را به عنوان دعوایی بین دادستان و متهم محسوب می کند نیست، عدالت ترمیمی بر این اعتقاد است که دعوای کیفری در اصل متعلق به متهم بزه دیده و در صورت آسیب دیدگی جامعه محلی می باشد و از این رو مشوق مشارکت بزه دیده، بزه کار و جامعه محلی محسوب می شود. (غلامی، ۱۸: ۱۳۹۶) اگر بزه دیده در فرایند عدالت کیفری نتواند مداخله و مشارکت لازم را بنماید، در واقع به نوعی دچار ناملايمات ثانوی و بزه دیدگی ثانوی گردیده است.

پیشگیری از بزه دیده گی ثانویه

به منظور پیشگیری از بزه دیدگی ثانویه اصلاحات مهمی در سالهای اخیر در نظام عدالت کیفری به عمل آمده است که از مهم ترین آنها کاهش محدودیت های مربوط به مشارکت بزه دیده در فرایند دادرسی می باشد. (شیری، ۱۳۹۷: ۴۴۹)

واکنش جوامع در برابر بزه دیده گی ثانویه، ابتدا از طریق تدوین، وضع اعمال روشها و ابزارهای قهر آمیز و سرکوبگر با توسل به نهادهای مختلف حقوق کیفری ابراز می گردد. در این صورت سیاست مبارزه با پدیده مجرمانه که عمدتاً مجهز به ابزارهای کیفری می باشد و رسالتهای عبرت انگیزی، و ارباب انگیزی» را دنبال می نماید، همان سیاست کیفری می باشد که در واقع در قلمرو سیاست حقوقی هر دولت قرار دارد. (مفهوم مضیق سیاست جنایی) لیکن دولت های متحول و پویا، به ویژه پس از پایان جنگ جهانی دوم، برای مهار بزه کاری، علاوه بر اعمال قواعد و نهادهای مختلف حقوق کیفری، از نهادهای سایر نظامها حقوقی اداری، حقوق مدنی، حقوق پزشکی، ... و نیز از حقوق پیشگیری از جرم، به عنوان تأسیس مستقل از بازدارندگی و پیشگیری عام و خاص ناشی از تدوین و اجرای نظام کیفری، استفاده می نمایند. در این صورت سیاست مبارزه با پدیده مجرمانه دارای هسته ای مرکزی به نام نظام کیفری می باشد، لیکن حول آن، حقوق پیشگیری و سایر نظامهای حقوقی نیز قرار دارد که سیاست جنایی» یا سیاست کنترل (مهار) جرم را تشکیل می دهد (مفهوم موسع سیاست جنایی). سیاست جنایی، در این مفهوم گسترده، در قلمرو سیاست جنایی» هر دولت قرار گرفته و متحول می شود که در واقع مفهوم موسع سیاست کیفری است. بدین ترتیب «سیاست کیفری» جزئی از سیاست جنایی تلقی می گردد. (نجفی ابرند آبادی، ۱۳۷۶: ۲۹۱)

مشارکت مردم در عدالت کیفری نیز دست کم در سه قلمرو مهم مورد توجه سازمان ملل متحد قرار گرفته است: شرکت دادن مردم در نحوه اجرا و اعمال کیفر سالب آزادی و جایگزین های آن (قواعد تو کیو)، و به ویژه طرز رفتار (اصلاحی) با زندانیان (مجموعه قواعد و مقررات حداقل ملل متحد درباره رفتار (اصلاحی) با زندانیان) شرکت شهروندان در مراجع قضایی خاص رسیدگی به جرایم اطفال مؤسسات ویژه اعمال تصمیم های قضایی درباره ص غار بزه کار (قواعد بیجینگ) و سرانجام استفاده از انجمن های و ابتکارهای مردمی در حمایت از بزه دیدگان و اشخاص تحت تکفل آنان اعلامیه اصول اساسی عدالت درباره قربانیان بزه کاری و قربانیان سوء استفاده از قدرت. (نجفی ابرند آبادی، ۱۳۷۶ : ۲۹۱) باید پیش از این نیز بر این نکته اذعان داشت که پیشگیری از جرم، بالاخص پیشگیری اجتماعی در سیاست جنایی مشارکتی قابل طرح است و ن می توان پیشگیری اجتماعی را تنها از یک نهاد تقاضا نمود. دخالت آحاد جامعه در امر پیشگیری باعث می شود تا موفقیت در این امر از لحاظ اجرایی و درک اهمیت آن افزایش یابد.

تأثیر مشارکت مردم در پیشگیری از ارتکاب جرم، یعنی سالم سازی جامعه و مبارزه با کارکردهای اجتماعی» که جرم زا هستند، یکی از مصادیق سیاست جنایی مشارکتی است. شرکت دادن مردم یا اصطلاحاً دادرسان م ردمی در عدالت ک یفری و به ویژه در مرحله محاکمه کیفری (مثلاً هیأت منصفه) و سرانجام اجازه ح ض ور م ردم با انجمن های مردمی در اصلاح بزه کاران (زندانیان) کمک به خانواده آنان، کمک به قربانیان مستقیم جرایم (بزه دیدگان) و قربانیان غیر مستقیم بزه کاری خانواده با افراد تحت تکفل بزه دیدگان)..... از مصادیق سیاست جنایی مشارکتی محسوب می شود (قمی اوپلی، ۱۳۹۷، ۵۰۹).

مشارکت مدنی در پیشگیری از بزه دیدگی ثانویه، دو اثر مستقیم دارد. نخست آن که باعث ترمیم بزه دیده می شود و دوم آن که وضعیت بزه دیده و بزه کار را تغییر داده و تاثیر می گذارد.

ترمیم بزه دیده

بزه دیده شخصی است که از ارتکاب عمل مخالف قانون، متضرر شده است. ضرر در فقه به معنی صدمه جانی زدن به خود و دیگری، تجاوز به حیثیت دیگران و لطمه زدن به حیثیت خود، تعرض به ناموس دیگران، اتلاف و نابود کردن اموال خود و دیگران و تجاوز به مال غیر مانند غصب و خیانت در امانت و اختلاس، ممانعت از وجود پیدا کردن نفعی که مقتضی وجود آن حاصل شده است (یا عدم النفع آن مانند کندن درختان میوه که شکوفه دارد. ضرر در حقوق مدنی، ممکن است به واسطه از بین رفتن م الی ب اشد یا به واسطه فوت شدن منفعتی که از انجام تعهد حاصل می شده است. (جعفری لنگرودی، ۱۳۹۲، ۶۱۵) به هر حال با توجه به معنی لغوی و عرفی در تعریف ضرر» به طور اعم از نظر حقوق جزا می توان گفت ضرر یا خسارت، عبارت است از کسر دارایی و ثروت یا از بین رفتن مالی یا هر نوع لطمه زدن به سلامت و تمامیت جسمی و حیثی و حرمت اشخاص، یا فوت منقعت مسلم اشخاص (اعم از شخص حقیقی یا حقوقی) که از جرم ناشی شده باشد. (جعفری لنگرودی، ۱۳۹۲، ۴۱۶) بزه دیده با ضرری که متحمل شده است، نیاز به این دارد که حداقل از سوی آحاد جامعه مورد توجه و لطف قرار گیرد. حال اگر این بزه دیده، علاوه بر ضرری که متحمل شده است، مورد سرزنش جامعه قرار گیرد، حاصل آن عدم گزارش بزه دیدگی خواهد شد. سرزنش، تمسخر و بی توجهی به بزه دیده، حاصلی مانند ع دم گزارش بزه دیدگی را به دنبال خواهد داشت که نهایتاً باعث می شود بزه دیده خود به فکر انتقام افتد و عقب گردی به دوره انتقام جویی را رقم زند. از سوی دیگر، راهنمایی کردن و حمایت عاطفی از بزه دیده، می تواند بازگشت وی را به جامعه تسریع بخشد. بدین معنا که بزه دیده ضمن این که اقدام به اخذ حق می نماید، در مجازات و ب رقراری نظم جامعه نیز می تواند موثر واقع شود. نگارنده معتقد است که درصد قابل توجهی از بزه دیدگان نمی دانند که مورد حمایت قانون و جامعه هستند و همین امر باعث می شود تا بزه دیدگی آنان تکرار گردد (قمی اوپلی، ۱۳۹۷، ۵۰۷)

اثرگذاری بر بزه دیده

و بزه کار از یک سو شخص بزه دیده مانند کسی است که از عملی مجروح شده و جراحت او با فعل و انفعالاتی متوقف و بهبود می باید از طرف دیگر، بزه کار کسی است که تکرار بزه و افزایش بزه دیده را در جامعه تهدید می کند. مشارکت مدنی می تواند بر هر دو مشکل آتی بزه دیدگی تاثیر گذار باشد. از یک سو با کمک مشارکت مدنی، طرف اصلی ج ر م مدیریت می شود و از طرف دیگر، بزه دیده و جامعه ترمیم شده و امنیت و آرامش محقق می شود مدیریت بزه کاری عدالت ترمیمی انحصار

رسیدگی به جرم را از صلاحت عدالت کیفری خارج می‌کند. به جامعه محلی اجازه می‌دهد در روند ترمیمی مشارکت کرده و به عنوان کنشگر دیگری که از جرم ارتكابی متأثر ومت ضرر شده است، نظرها و ایده های خود را در مورد تعیین پاسخ ترمیمی مطرح کند. همچنین، جامعه محلی فرصتی می‌یابد که در عدالتی مشارکتی و جامعوی، از امکانات و ظرفیت های خود بهره گرفته و در پاسخ دهی به جرم به آنها متوسل شود. بنابراین، در عدالت ترمیمی، کل جامعه و افکار عمومی که دولت و نهادهای حاکمیت معرف آنها هستند، می‌توانند در آن ذی نفع باشند. جامعه ی محلی به عنوان بزه دیده ثانوی در روند ترمیمی شرکت می‌کند و طرف مذاکره قرار می‌گیرد. دلیل ح ضرور و م شارکت دهی جامعه محلی این است که با وقوع جرم، جامعه ی محلی احساس خطر کرده و فضای امن حاکم بر آن متشنج می‌شود. در عدالت ترمیمی، مناسبت حضور و مشارکت جامعه مدنی چه به صورت سازمان یافته و چه به صورت خود جوش فراهم است و بدین سان، در های عدالت کیفری به روی مردم باز میشود. در عدالت ترمیمی، دستگاه قضایی به مثابه نهادی خود کفا و بسته عمل نمی‌کند. جامعه مدنی با مشارکت خود، از یک سو، خدمات حمایتی و مساعدتی را به بزه دیده ارائه می‌دهد و از سوی دیگر، به بزه کار در ایفای بهتر تعهدهای خود کمک می‌کند. عدالت ترمیمی در جستجوی تقویت مشارکت و حضور جامعه ی محلی به منظور پیشگیری از تکرار جرم در آینده است، می‌توان گفت یکی از مهمترین نتیجه هایی که عدالت ترمیمی در رابطه با جامعه دنبال می‌کند، مسأله پیشگیری از بزه کاری است. جرم، موجب ایراد ضرر و زیان است، علاوه بر این، وقوع جرم آشکار کننده وضعیت ناعادلانه ق بل از وقوع جرم نیز است. وضعیت پیش گفته حاکی از کارکرد ضعیف نهادهای جامعه ی مدنی در تدارک اقدام ها و تدابیر پیشگیرانه ی اجتماعی و سالم سازی محیط های اجتماعی جرم زاست و نشان دهنده قصور جامعه ی مدنی در توجه به رفع علل و عوامل جرم زا در بستر جامعه است، ممکن است به وقوع تعارض ها، کشمکش ها و درگیری ها میان بزه دیده و بزه کار منجر شود؛ به گونه ای که در آینده چنین مواردی به صورت وقوع رفتار مجرمانه در جامعه نمود پیدا کند. بدین ترتیب، نظام عدالت ترمیمی به منظور مشارکت دادن سازنده ی نهادهای جامعه ی مدنی به عنوان نتیجه ای ترمیمی، نمایندگان جامعه ی مدنی را در فرایندی پویا و انعطاف پذیر گرد هم می‌آورد و با چاره اندیشی برای حذف موقعیت اجتماعی جرم زا در جامعه، باعث می‌شود تا نهادهای جامعوی از این نظام، حمایت های مادی و معنوی کنند. نتیجه ی ترمیمی نسبت به جامعه ی مدنی، مداخله دادن آن در مدیریت دستگاه عدالت و گسترش نقش و نفوذ افراد و نهادهای جامعه مدنی، به منظور مهار بزه کاری و خنثی سازی عوامل جرم زاست. بدین ترتیب نتیجه هایی که عدالت ترمیمی در صدد دستیابی به آنهاست، عبارتند از: ایجاد روحیه ی مردم سالاری در جامعه، به عقب راندن نظام عدالت رسمی به نفع جامعه ی مدنی، کاستن از محدوده های بی حد و مرز و عنان گسیخته قوای عمومی، برگرداندن حق تصمیم گیری به نمایندگان اقشار جامعه ی مدنی و تحقق عدالتی محلی و مردمی جامعه محلی در نتیجه وقوع جرم، امنیت حاکم بر خود را از دست داده و روابط اجتماعی آن دچار تنش شده است و باید حق داشته باشد که در روند رسیدگی به جرمی که آن را نیز متأثر ساخته، مشارکت کرده و باید به دیدگاه های نمایندگان جامعه ی محلی نیز توجه شود (قمی اوپلی ۱۳۹۷: ۵۰۸).

ترمیم اجتماعی ناشی از جرم

نتیجه ترمیمی دیگری که عدالت ترمیمی نسبت به جامعه مدنی به همراه دارد، ترمیم گسست ها و اختلال های اجتماعی جامعه است. عدالت ترمیمی با مشارکت دهی طیف گسترده ای از افراد و نهادهای جامعه ی مدنی، آثار ترمیمی خود را در سطح گسترده تری بر جا می‌گذارد. عدالت ترمیمی در جستجوی بازگرداندن وحدت و هماهنگی به چیزی است که در نتیجه ای ارتكاب جرم، گسسته شده است. جرم، موجب ایجاد نوعی انشقاق میان مردم (تقسیم مردم به بزه کار و بزه دیده) و نیز

نوعی گسستگی و شکاف در جامعه ای محلی است که در واقع، یکی از مهمترین زیان های ناشی از ارتکاب جرم است. رویکرد ترمیمی در صدد تدارک تمهیداتی برای ایجاد آشتی و توافق بین بزهکار و بزه دیده و بازگرداندن هر دوی آنان به جامعه است. رویکرد پیش گفته، معتقد است که نقش های بزه دیده و بزهکار باید موقتی باشد نه دائم. هر کدام از نقش های پیش گفته، باید به آینده ای رهنمون شود که از گذشته (توأم با خاطره جرم) رهاست و بیش از آن در چنگال جرمی که مرتکب شده با متحمل شده است. نباشد. (غلامی، ۱۳۹۰، ۷۲۰). در طی روند ترمیمی، روابط اجتماعی صدمه دیده تصحیح می شود و اختلالی که پس از وقوع جرم در روابط محلی، دوستی، کاری، همسایگی و توازن زندگی محلی بوجود آمده است ترمیم و بازسازی می شود. با وقوع جرم در جامعه، روابط و مناسبات محلی دچار تنش شده و خصومت آمیز می شود. بنابراین، در نتیجه روند ترمیمی از فضای حاکم بر جامعه که با ارتکاب جرم، نظم و آرامش از آن سلب شده، تنش زدایی می شود و نمایندگان جامعه ی محلی با مشارکت در روند ترمیمی و مشاهده ی تلاش بزهکار در ایفای تعهدهای ترمیمی خود و این که بین بزه دیده و بزهکار اصلاح ذات البین صورت گرفته، بر آن می شوند که در روابط مخدوش شده ی بین جامعه ی محلی و بزهکار نیز تجدید نظر کرده و کدورت زدایی به عمل آورند. عدالت ترمیمی در صدد ایجاد صلح در جامعه از رهگذر آشتی دادن طرفین و ترمیم خسارت های ناشی از جرم است. از دیدگاه عدالت ترمیمی، جامعه محلی، بزه دیده ثانوی محسوب می شود و بنابراین، طبیعی است که او نیز در این نتایج ترمیم بخش سهیم باشد. جرم صدمه ای است که به خاص و جامعه ی محلی و شبکه ی اجتماعی وارد می شود و بنابراین، ترمیم اختلال ایجاد شده در نظم و توازن جامعه محلی هدف عدالت ترمیمی و نتیجه ای است که در این نظام بر آن تأکید می شود. جایگاه جامعه در بزه دیدگی به سه زمان ب از می گردد. زمان نخست پیش از ارتکاب بزه است که با تبیین اقدامات پیشگیرانه اجتماعی، نقش مثبت جامعه احراز می گردد. زمان دوم به لحظه ارتکاب جرم باز می گردد که مداخله صحیح ناظری صحنه جرم و مانع شدن آنها می تواند پیشگیری را به همراه داشته باشد. زمان سوم نیز به پس از ارتکاب جرم مربوط می شود و می تواند از بزهکار بخواهد مجدداً مرتکب جرم نشود و مذموم بودن عمل در جامعه را به بزهکار خاطر نشان سازد. بدیهی است برخورد خودسرانه و ارتکاب جرم دیگر، عدم مقابله با بزهکار، عدم تشویق به گزارش بزه دیدگی، گم کردن مسیر صحیح برخورد با مساله و نیز پاسخ نامناسب، باعث می شود تا جامعه در قبال بزهکاری، توانا تصور نگردد. اگر تمام کسانی که از کنار چنین صحنه های مجرمانه ای با بی توجهی می گذرند، بدانند که این نحوه برخورد چگونه مرتکب را جری کرده و وی را تشویق به تکرار آن هم شدیدتر می نماید و در آینده ای نزدیک این اتفاق برای اطفال، خانواده وی نیز تکرار می شود، به طور قطع در اقدام خود تجدید نظر کرده و به فکر چاره در مقابل این عمل خواهند افتاد. مشارکت مدنی با اتکا به این شرایط، در تلاش است تا در پیشگیری از بزه دیدگی ثانویه موثر واقع شود. بدین منظور در این مبحث، ابتدا چگونگی و سپس اقدامات و ج ایگاه مشارکت مدنی مورد ارزیابی قرار خواهد گرفت (این جمله نیاز به حذف دارد. (قمی اوپلی، ۱۳۹۷: ۵۱۰) مشارکت مدنی در گرو سه اقدام موثر است تا از بزه دیدگی پیشگیری نماید. آموزش، حمایت و نظارت. مهمترین اقدام، آموزش است که در صورت آموزش اطفال که در برخورد با اطفال زنان زندانی نیز هستند باید این نکته تبیین شود که رفتار آنان منجر به بزه دیدگی این افراد نشود. از سوی دیگر این آموزش مربوط به سایر آحاد جامعه نیست. بلکه پدرانی که همسرشان زندانی شده اند، نیاز به آموزش دارند. اقدام مهم دیگری نیز در این خصوص وجود دارد و آن حمایت از اطفال فرزندان بزهکاران است. در این رابطه لازم است تا از نیازها و شرایط آنان اطلاعاتی به دست آید و بر اساس این اطلاعات، حمایت های مختلف اقتصادی، اجتماعی و... برنامه ریزی شود. به طور مثال، فرزندی که مشکل مالی دارد و از نظر اقتصادی با کلاهبرداری روبرو شده و بزه دیده کلاهبرداری نیز می شود، نیاز به حمایت اجتماعی و اقتصادی دارد. نظارت

حلقه مفقوده دیگری است که شاید کم ارزش بودن یا بی ارزش بودن م حیط پیرامون باعث شده است تا اجتماع در مقابل بزه کار و بزهدیده عکس العملی نشان ندهد (قمی اوپلی، ۱۳۹۷: ۵۱۱)

نتیجه گیری

بزه دیدگی ثانوی یا آسیبهای ثانویه به آسیبی اشاره دارد که نه به منزله نتیجه مستقیم فعل مجرمانه، بلکه از رهگذر وقوع جرائم و واکنش نهادها و نظام عدالت کیفری به بزه دیده روی می دهد. در صورتی که بزه دیده نتواند دادخواهی کند یا در فرآیند عدالت کیفری به حاشیه رانده شود و نقش فعالی به او داده نشود در واقع در معرض ناملایمات جدید و حتی بزه دیدگی دوباره قرار می گیرد. بزه دیده در عدالت کیفری سنتی، کنشگری فراموش شده و منفعل تبدیل شده بود. عدم اعتماد و اطمینان بزه دیدگان نسبت به حمایت فرایند کیفری از آنان، منجر به عدم رجوع بزه دیدگان به دادگستری و توسل به روش های غیررسمی حل و فصل اختلاف های کیفری شده است. مشارکت مدنی در پیشگیری از بزه دیدگی ثانویه دو نقشرا ایفا می کند: ۱- ترمیم بزه دیده و ۲ اثرگذاری بر بزه دیده و بزه کار. اثرگذاری بر بزه دیده و بزه کاری با مدیریت بزه کاری و ترمیم اجتماعی ناشی از جرم صورت می گیرد. عده ای بزه دیدگی ثانویه را همان بزه دیدگی غیر مستقیم می دانند و هر شخصی می تواند بزهکار باشد (اعم از حقوقی و حقیقی) و عده ای بزه دیدگی ثانویه را تکرار بزه دیدگی برای بزه دیده نخست از یک جرم در زمان تعامل و مراجعه با نظام قضایی می دانند. در این گونه، نظام قضایی و کارکنانش، بزه کار محسوب می شوند. بر این اساس، با تلاش برخی از اساتید نیز، واحد بزه دیدگی ثانویه در مراکز دادگستری استان ها به وجود آمده است. در خصوص مقررات حاکم بر فرایند کیفری ایران می توان گفت که قانونگذار در یک نگرش کلی حمایت از بزه دیده را پذیرفته و برخی از حمایت ها به صورت مستقیم متوجه بزه دیده است و در برخی موارد بزه دیده به صورت غیر مستقیم مورد توجه قرار گرفته است. ولی چنین نگرشی نیاز به تقویت و گسترش دارد.

ترسیم موقعیت حقوقی بزه دیده در کلیه مراحل فرایند کیفری و توجه به نیازهای او در طی فرایند و رفع این نیازها بر حسب تقدم و ضرورت. به عبارت دیگر، شناسایی نیازهای عمومی و نیازهای ویژه بزه دیدگان که رفع آنها در حمایت از بزه دیدگان ضروری است. توجه به حقوق انسانی - اخلاقی بزه دیده در کنار حقوق عینی - مادی بزه دیده، زیرا او در مقام یک انسان علاوه بر خواسته ها و علایق مادی، دارای علایق و خواسته های معنوی نیز هست. تقویت و تشویق اذهان عمومی جامعه و بزه دیده در مراجعه به دستگاه عدالت کیفری جهت اعلام جرم و وضعیت ناشی از ارتکاب جرم، زیرا جامعه محلی و کل جامعه باید در مسیر حمایت از بزه دیدگان گام بردارند و خود را در امر اطلاع از وضعیت بزه دیدگان و کمک رسانی به آنان مسئول بدانند. لذا باید این ذهنیت در اجتماع و دست اندرکاران نظام عدالت جنائی ایجاد شود که نخستین گام در حمایت از بزه دیده به رسمیت شناختن بزه دیده و آگاهی از بزه دیدگی اوست و بهترین اقدام مؤثر در این زمینه، تشویق بزه دیده در مراجعه به دستگاه عدالت کیفری و تضمین ساز و کارهای حمایتی است. در واقع، تشویق بزه دیده و ارائه خدمات و کمک رسانی به او به منزله دو روی سکه هستند که همواره باید در کنار هم قرار گیرند ساز و کارها علاوه بر اینها، با توجه به مقررات دادرسی کیفری فعلی ایران، پیش بینی ساز و کارهای حمایتی زیر می توانند کارساز باشند.

منابع:

۱. جعفری لنگرودی، محمدجعفر. (۱۳۹۲). ترمینولوژی حقوق. تهران: گنج دانش
۲. خوبی، سید ابوالقاسم. (۱۴۰۳ ق). مبانی تکمله المنهاج، ج اول، بیروت: دار الزهراء
۳. رایجیان اصلی مهرداد (۱۳۸۴). بزه دیده شناسی حمایتی چاپ اول، تهران: نشر دادگستری

۴. زندر، لوسیا. (۱۳۹۳). بزه دیدگان، ترجمه دکتر حمیدرضا ملک محمدی، مندرج در دانشنامه جرم شناسی آکسفورد، جلد ۲، چاپ اول، تهران: نشر میزان. ۱۸.
۵. شیر، عباس. (۱۳۹۷). "حق بزه دیده در تعیین کیفر و نحوه اجرای آن". فصلنامه دیدگاه | های حقوق قضایی، بهار، شماره ۸۱، صص ۷۷-۱۰۵.
۶. طهماسبی نیک اشرف علی (۱۳۸۳) سیاست جنایی اسلام در برخورد با بزهکاری و بزه دیدگی زنان چاپ اول تهران برگ
۷. غلامی، حسین. (۱۳۹۰). عدالت ترمیمی، چاپ دوم، سمت
۸. غلامی، حسین، (۱۳۸۵). عدالت ترمیمی، چاپ اول، تهران: انتشارات سمت.
۹. قمی اوپلی، الهام (۱۳۹۷). "جایگاه مشارکت مدنی در پیشگیری از بزه دیدگی ثانویه قانون یار، تابستان، شماره ۶، صص
۱۰. نجفی ابرند آبادی، علی حسین. (۱۳۷۶). سیاست جنایی سازمان ملل متحد نشریه تحقیقات حقوقی، شماره ۴۰